

# جهان شهرها و نقشه‌های جدید ژئوپلیتیکی

یاشار ذکی<sup>۱</sup>

عاطفه گل‌فشان<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۷/۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۴/۱۴

\*\*\*\*\*

## چکیده

همزمان با شتاب گرفتن فرایند «جهانی شدن» به خصوص «جهانی شدن اقتصاد» گروهی از اندیشمندان دست به نظریه پردازی‌های جدید زده و مدعی این مطلب شدند که فرایند جهانی شدن اهمیت «مکان‌ها» را از بین برده و «فاصله و مرز» دیگر معنایی ندارد. آنها مدعی شدند (جغرافیا دیگر مرده است) و «نقشه‌های جغرافیایی» چندان در دنیای جدید کارآمد نیستند. در پاسخ به این نظرات، جغرافی دانان زیادی دست به انجام یک سری تحقیقات انتقادی و تدوین مقالاتی در نقد این ادعا زدند. یکی از این کارها تهیه «نقشه‌های جدید ژئوپلیتیکی» است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و رایانه‌ای به این مسئله پرداخته شد که جهانی شدن چه تأثیری روی نقشه ژئوپلیتیکی داشته و آیا جهانی شدن، نقش جغرافیا و نقشه‌های سیاسی را کمرنگ کرده است. همانطور که می‌دانیم شهرها در عرصه جهانی شدن خارج از مرزهای سیاسی خود به نقش‌آفرینی‌های جدیدی دست زدند و گاه اهمیتی فراتر از حکومت‌های خود پیدا کردند. «نقشه‌های جدید ژئوپلیتیکی» بجای تمرکز روی کشورها و مرزهای واقعی به سمت نقشه‌هایی رفته که به ترسیم «روابط شهرها» توجه می‌کند و در آن مرزهای واقعی چندان اهمیتی ندارد. در این راستا کارهای ارزنده‌ای انجام گرفته که یکی از آنها کار تیلور و همکارانش است. در «نقشه‌های جدید ژئوپلیتیکی» تمرکز روی ارتباطات بین شهرها در سراسر جهان است. ترسیم ارتباطات شهرهای سراسر جهان به بازنمایی جدید از «فضای اقتصاد جهانی جریان‌ها» کمک می‌کند که تکمیل‌کننده و نه جایگزین «فضای سیاسی بین‌المللی مکان‌ها» هستند. به عبارتی دیگر نقشه‌های جدید جریان‌های اقتصادی شهرهای جهانی تنها مکملی برای نقشه سیاسی بین‌المللی کشورها هستند که برای فهم تغییرات اجتماعی جدید تحت شرایط جهانی شدن یک چهارچوب فضایی مناسب را فراهم می‌آورند.

واژه‌های کلیدی: جهان‌شهرها، جهانی‌شدن، اقتصاد جهانی، نقشه‌های جدید ژئوپلیتیکی

\*\*\*\*\*

۱- استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، yzaki@ut.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران Golfeshana@ut.ac.ir

۱- مقدمه

تجاری پیشرفته برای همکاری‌های چندملیتی تهیه شده‌اند. به خاطر پیشرفت تکنولوژی «ارتباطات و حسابرسی»، برخی شرکت‌ها در بخش‌های (حسابداری و حقوق) این شانس را یافتند تا خدماتشان را فراتر از شهرهای سنتی خود و یا مراکز تجاری ملی‌شان گسترش دهند. هدف این مقاله بحث درباره «نقشه‌سازی‌های جدید جهان» است که «ژئوپلیتیک جدید جهانی» را نمایش می‌دهد. برای اینکار ابتدا تعریفی از جهان‌شهرها و معیارهای گزینش آنها که بیشتر اقتصادی هستند، ارائه خواهد شد و بعد جایگاه آنها را در نقشه‌های جدید نشان خواهیم داد. نقشه‌سازی جدید جهان، روی «شهرها» بیشتر از «کشورها» تمرکز می‌کند. این نقشه‌سازی براساس ادراک ما از دنیای معاصر به عنوان شبکه اجتماعی است که در آن «فضای جریان‌ها» بیشتر از «فضای مکان‌ها» تسلط دارد. فضای مکان‌ها به یادآورنده «جدایی» و «مرزها» است؛ اما فضای جریان‌ها یعنی «کنش متقابل» و «ارتباطات»؛ برای مثال، «نقشه سیاسی جهان» که برای ما آشنا است، نقشه‌ای از مرزهای حاکمیتی است. نقشه‌ای که در آن فضای مکان‌ها در مقیاس جهانی ترسیم شده‌اند. اما با جهانی شدن و فرایند انتقالات بین‌المللی سودمندی مرزهای دولت‌ها در حال از بین رفتن است. این شبکه اجتماعی هزاران جریان را در مقیاس‌های متفاوت در بر می‌گیرد، شامل «حرکت‌های بین‌المللی» که شبکه‌های جهانی را خلق کرده‌اند؛ و یکی از مهم‌ترین شبکه‌های جهانی «شبکه شهرهای جهانی» است. بنابراین هدف نقشه‌سازی جدید جهان، شهرهای جهانی هستند که از ارتباطات بین شهرها در سراسر جهان سر برآورده‌اند. این ارتباطات مقیاس‌های جایگزینی هستند برای جریان‌های درون شهری اطلاعات اقتصادی. بنابراین نتیجه نهایی، نمایش جدیدی از فضای اقتصادی جهانی جریان‌ها است که نمایش سنتی فضای سیاسی بین‌المللی مکان‌ها را تکمیل می‌کنند. البته در طول تحقیق باید این نکته در نظر گرفته شود که نقشه‌های جدید، جایگزین نقشه‌های سیاسی نیستند، بلکه باید این را در نظر گرفت که نقشه‌های ژئوپلیتیکی گذشته قادر نبودند برای تغییرات اجتماعی که

در فرایند «جهانی شدن» دانشمندانی چون «اُ بریان» (۱۹۹۲) ادعا کردند «جغرافیا به پایان خود رسیده است»، و درباره همگرایی بین‌المللی مراکز تجاری مالی و جهانی شدن صحبت کردند. اشخاصی مانند او استدلال می‌کردند که ارتباطات آنی - یعنی ارتباطاتی که در آن فاصله دیگر معنایی ندارد - به عنوان یک فاکتور در کنش‌های مالی سبب شده‌اند تا «جغرافیا» به عنوان مانعی برای یک چنین بازارهای جهانی در معرض حذف شدن قرار گیرد.

البته جغرافی‌دانان بسیاری در مخالفت با این موضوع کار کردند و مقالات و پژوهش‌های انتقادی بسیاری نوشتند؛ دانشمندانی چون: مسی (۱۹۹۹)، اتوتایل (۲۰۰۰)، تریفت و مارتین (۱۹۹۴)، کاکس (۱۹۹۷)، یانگ (۱۹۹۸)، تیلور، واتس، جانسون (۲۰۰۱) را می‌توان نام برد. بحث اصلی همه این دانشمندان داشتن نگاهی انتقادی به گفتمان‌های «جهان بدون مرز»، و پرداختن به این موضوع بود که جهانی شدن به معنی مرگ جغرافیا نیست. در واقع جان کلام آنها این بود که ممکن است ارتباطات جدید و جهانی شدن، بعضی مفاهیم جغرافیا مانند «مکان، مرز، فاصله و...» را از بین ببرد، اما در بازگشت، نوعی «جغرافیای جدید» خلق می‌کند. به گفته تیلور و همکارانش «در دنیای مدرن همیشه یک حرکت دائمی تخریب و بازسازی فضاها وجود دارد و جهانی شدن آخرین و جدیدترین ظهور این حرکت است» (تیلور، ۲۰۰۱: ۲۱۳).

اگرچه بیشتر جنبه‌های مالی جهانی «مجازی» شده‌اند، اما انجام بیشتر فعالیت‌ها در تعداد اندکی از مراکز مالی بین‌المللی که در مراکز جغرافیایی «لندن، نیویورک و توکیو» پایه‌ریزی شده‌اند، نوعی دیگر از جغرافیا را سبب شده است. بنابراین بیشتر از اینکه انتهای جغرافیا وجود داشته باشد، جغرافیاهای جدید در شرایط جهانی شدن وجود دارند. «نقشه‌های جدید ژئوپلیتیکی»، «شهرهای جهانی» را به عنوان «مراکز خدمات جهانی» در نظر می‌گیرند که در آنها خدمات

شبکه‌های فراملیتی تولید، تجارت و امور مالی است» (نویخت و محمدی، ۱۳۸۷: ۱۸). همچنین «جیمز روزنه‌نا» جهانی شدن را فرایند دگرگونی عادات و هنجارها تلقی می‌کند، فرایندی که دل‌مشغولی نوع بشر در محدوده‌های قلمرو و ترتیبات سنتی، نظام کشورها را دگرگون می‌سازد (روزنه‌نا، ۱۳۸۷: ۱۰). جغرافیای جهان معاصر به وسیله دو گرایش اقتصادی قوی تحت سلطه قرار گرفته است. از یک طرف، دنیا در حال بیشتر و بیشتر به سمت همگرایی اقتصادی رفتن است؛ مراکز مالی بین‌المللی واقعیت کوچکی از این همگرایی هستند و توسعه شبکه شهرهای جهانی نمود جغرافیایی آن. از طرف دیگر جهان در حال بیشتر و بیشتر قطبی شدن - از نظر اقتصادی - است؛ و گسترش شکاف درآمدی بین غنی‌ترین و فقیرترین قشر انسان‌ها (تیلور، ۲۰۰۳: ۱۹۷). به طور کلی، یک تغییر مهم از اقتصاد بین‌المللی به اقتصاد جهانی شده‌تر به وجود آمد. در اقتصاد بین‌المللی کالاها و خدمات بین مرزهای ملی، به وسیله اشخاص و شرکت‌ها بین کشورهای مختلف تجارت می‌شدند، و تجارت به دقت به وسیله دولت‌ملت‌های حاکمیتی تنظیم شده بود. در اقتصاد جهانی کالاها و خدمات به وسیله شبکه انحصاری چندگانه از شبکه شرکت‌های جهانی - که عملکردهایشان در مرزهای ملی و فراتر از آن گسترده شده، تولید شده و داد و ستد می‌شوند و به وسیله دولت‌ملت‌هایشان چندان تحت کنترل نیستند (ناکس، ۱۹۹۵: ۳). از دهه ۱۹۶۰ که برای نخستین بار اصطلاح جهانی شدن در فرهنگ لغات آکسفورد وارد شد، به عنوان فرایندی اقتصادی شناخته گردید. فرایندی که در آن به تدریج پدیده‌ها و روابط اقتصادی جنبه جهانی می‌یابند (سلیمی، ۱۳۸۴: ۵). به هر حال جهانی شدن فرایندی است که در آن از اهمیت فاصله‌های جغرافیایی در روابط اقتصادی، سیاسی، علمی کاسته می‌شود و شبکه‌های ارتباطات بطور کلی گسترش می‌یابد، اما تأثیر جهانی شدن بیشتر در مقدمه‌ای اقتصادی و سیاسی نمایان است و از بسیاری جهات از جمله فرهنگ، علم و دین هنوز سطحی دانسته می‌شود (کیریان، ۱۳۸۲: ۱۶). دیوید هاروی که دیدگاه او در زمینه جغرافیا

در شرایط جهانی شدن معاصر در حال رخ دادن بود یک چهارچوب فضایی مناسب تهیه کنند؛ به همین دلیل برخی جغرافی‌دانان مانند تیلور و همکارانش در پی نقشه‌سازی جدید از جهان برآمدند تا اهمیت همیشگی جغرافیا و نقشه را حتی در دوران جهانی شدن اقتصاد نشان دهند.

برای تحقق این پژوهش، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. در این روش ابتدا جمع‌آوری داده‌ها به‌خصوص داده‌ها و شاخص‌هایی که براساس آنها جهان‌شهرها شناسایی شدند به وسیله روش کتابخانه‌ای و یارانه‌ای انجام گرفته است. سپس در قسمت تجزیه و تحلیل مطالب با توجه به یافته‌های تحقیق توصیف و تحلیل نقشه‌های جدید ژئوپلیتیکی انجام گرفته است. در این قسمت براساس یافته‌ها اهمیت شهرها، جغرافیا و نقشه‌های سیاسی در عصر جهانی شدن مورد تحلیل قرار گرفته است.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- جهانی شدن اقتصاد

جهانی شدن واژه دلنشین و در عین حال هولناکی است؛ دلنشین از آن جهت که می‌تواند نوید تحقق هرچه بیشتر فردیت انسان، آزادی اندیشه و بیان آن، گسترش آزادی‌های اجتماعی، افزایش آگاهی جمعی، تبادل وسیع اطلاعات به دور از کنترل، کشفیات جدید پزشکی و... باشد؛ و هولناک از آن‌رو که ناشناخته‌های آن زیاد است و برخی از نمودهای آن از قبیل بیماری‌های جدید چون ایدز در کنار پیشرفت علم پزشکی، تخریب محیط زیست و صدمه به لایه ازن، تروریسم بین‌المللی، تشدید تضادهای قومی و نژادی، وضعیت نامناسب نیروی کار و آینده مبهم آن، بحران بدهی‌ها و... است که ویرانی انسان‌ها و انسانیت را نشانه رفته‌اند. از این رو شاید بتوان اساسی‌ترین مشخصه جهانی شدن را ابهام‌آمیز بودن آن دانست (یزدانی، ۱۳۸۴: ۲). «اومائه و ریستون» عقیده دارند: «جهانی شدن پایان عمر دولت به عنوان بازیگر در عصر جهانی است و عصر بازار جهانی، اقتصادهای غیر ملی و عصر نیروهای جدید،

بسیار معتبر است، جهانی شدن را تشدید فشرده‌گی زمان و مکان می‌داند که بر راهبردهای سیاسی - اقتصادی، توازن قدرت و زندگی فرهنگی و اجتماعی تأثیر تعیین کننده دارد. او بر این باور است که جهانی شدن فرآیند «رشد ناموزون جغرافیایی سرمایه» است، که با سطوح متفاوت توسعه اقتصادی، تفاوت چشمگیر میان مزد و سطح زندگی در کشورهای گوناگون، حاکمیت شکل‌های گوناگون فرآیند کار و دوام فرآیند کار و دیگر ناموزونی‌های جغرافیایی سرمایه فراملی، هزینه تولید را به کمترین مقدار رسانده و سودآوری را افزایش می‌دهد (افراخته، ۱۳۸۲: ۱۶۰). جهانی شدن اقتصاد، قدرت کنترل دولت‌ها بر نقل و انتقالات مالی و فناوری را کاهش می‌دهد و به تعامل میان ملت‌ها می‌افزاید، رقابت سرمایه را از محدوده‌های جغرافیایی خاص خارج نموده و در سطح جهان، بی قید و شرط و فراگیر می‌کند و نظام‌های منطقه‌ای جدیدی را شکل می‌بخشد (پیشگامی فرد، ۱۳۸۰: ۱۵۷).

جهانی شدن اقتصاد، قدرت کنترل دولت‌ها بر نقل و انتقالات مالی و فناوری را کاهش می‌دهد و به تعامل میان ملت‌ها می‌افزاید، رقابت سرمایه را از محدوده‌های جغرافیایی خاص خارج نموده و در سطح جهان، بی قید و شرط و فراگیر می‌کند و نظام‌های منطقه‌ای جدیدی را شکل می‌بخشد (پیشگامی فرد، ۱۳۸۰: ۱۵۷). جهانی شدن اقتصاد شرایطی را به وجود می‌آورد که در آن حد و مرزهای جغرافیایی در فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری، تولید و نقل و انتقال مالی کمترین نقش را خواهند داشت. ارتباط سرمایه و کالا بدون توجه به مرز دولت - ملت‌ها برقرار می‌شود و به گفته اقتصاددان معروف «دانی کوآچ» به تدریج «اقتصاد بی وزن» به وجود می‌آید (زاللی و اشرفی، ۱۳۹۲: ۶؛ پیشگامی فرد، ۱۳۸۰: ۱۵۸). برای جهانی شدن ویژگی‌های زیادی مطرح شده که برخی از آنها عبارتند از: ۱- حاکم شدن تمدن الکترونیک در جهان؛ ۲- رشد تفکر جهانی؛ ۳- ارتباط متقابل فرهنگ‌های مختلف جهان؛ ۴- نظم‌دهی مجدد زمان و مکان؛ ۵- تشدید روابط بین‌المللی و باز شدن مرزها (دعایی، ۱۳۸۴: ۱۴)؛ ۶- رشد سریع و ارتباط متقابل جنبش‌های مربوط به عقاید، مواد، کالاها، اطلاعات، آلودگی پول و مردم در مرزهای فراملی و ملی در بین مناطق مختلف؛ ۷- کم کردن فاصله زمانی و مکانی توسط فناوری‌های در حال رشد اطلاعات؛ ۸- ظهور مؤسسات، نهادها و جنبش‌های اجتماعی برای برانگیختن، نظارت یا مقابله با نیروهای جهانی همراه یا

بدون حمایت کشورهای خاص (کومن، ۱۳۸۶: ۳۸).

## ۲-۲- شهر و جهانی شدن

در جهانی شدن معاصر قلمروها بیشتر از این نمی‌توانند تفاوت‌ها و تمایزاتشان را پشت مرزهای سیاسی‌شان حفظ نمایند؛ بلکه، در نتیجه برخورد منحصر به فرد جریان کالاها، عقاید و مردم، ممکن است هویت‌های جدید شکل بگیرد؛ به عبارتی: شهرها در حال جابجایی دولت‌ها در ساختار هویت‌های اجتماعی هستند (تیلور، ۱۹۹۵: ۵۸). در واقع «جهانی شدن» و «اطلاعاتی شدن» با هم منجر به افزایش اهمیت برخی شهرها در «سلسله مراتب شهری جهانی» شده‌اند که از آنها به «شهر جهانی» تعبیر می‌شود. شهر جهانی پدیده‌ای جدید نیست، چنانچه قرن‌ها سابقه دارد. وقتی جهانی شدن را به صورتی کمی مورد بررسی قرار می‌دهیم به پیوندها و ارتباطاتی میان جوامع می‌رسیم، که در این امر گسترش این پیوندها و ارتباطات هدف اصلی ملت‌هایی است که قصد دارند جهانی شوند. یکی از این ارتباطات گرایش شهرنشینی است، جوامعی که به سمت جهانی شدن در حرکت هستند، بیش از هر چیز به شهرنشینی و چگونگی ساختار شهرها اهمیت می‌دهند و با گذشتن از سنت، به مدرنیسم و شاید کم‌کم به فرایست مدرنیسم می‌رسند. در پی این هدف بافت قدیمی شهرها به کلی از بین می‌رود و جای خود را به ساختمان‌ها و فضاهای مدرن امروزی می‌دهد، به گونه‌ای که هم شهرها و هم کشورها که هدف جهانی شدن را دنبال می‌کنند، بصورتی متحدالشکل در می‌آیند. گاهی از هم تقلید می‌کنند و گاهی به خاطر رسیدن یا جلوتر رفتن از یکدیگر، با هم رقابت می‌کنند. البته جهانی شدن نه تنها بر کالبد شهرها اثر می‌گذارد، بلکه ساختار اقتصادی و اجتماعی آنها را دگرگون می‌سازد، که می‌توان از آن به عنوان منشأ بسیاری از تحولات شهری یاد کرد.

شهرها در فرایند جهانی شدن به‌ویژه جهانی شدن اقتصاد نقش مؤثری دارند؛ به عبارتی هم تحت تأثیر این فرایند

را در هم شکسته است»، اما حکومت‌های مبتنی بر دولت ملی از آمادگی برای سپردن مهار شهروندان خود به دست نفوذ جریان‌های جهانی، بسیار به دورند. هر چند فشارهای بین‌المللی درباره مسائلی همچون حقوق بشر و شهروندی دموکراتیک، احتمالاً روزه‌روز قوی‌تر می‌شود، دولت‌ها هنوز حاکمیت لازم در وضع قوانین تنظیم‌کننده رفتار شهروندان خود و مشارکت مدنی را دارند. دولت‌ها به درجه‌های متفاوت و هماهنگ با مکان و زمان در زندگی شهروندان خود هنوز اهمیت دارند. در عین حال که برخی فرایندهای جهانی‌شدن ممکن است از این اهمیت بکاهند، برخی چیزها، همچون ترس ناشی از مهاجرت گسترده به درون کشور، احتمالاً تحمیل سلطه و نظارت واکنشی دولت را تشویق می‌کند (همان: ۵۶-۵۷).

## ۲-۳- جهان‌شهرها<sup>۱</sup>

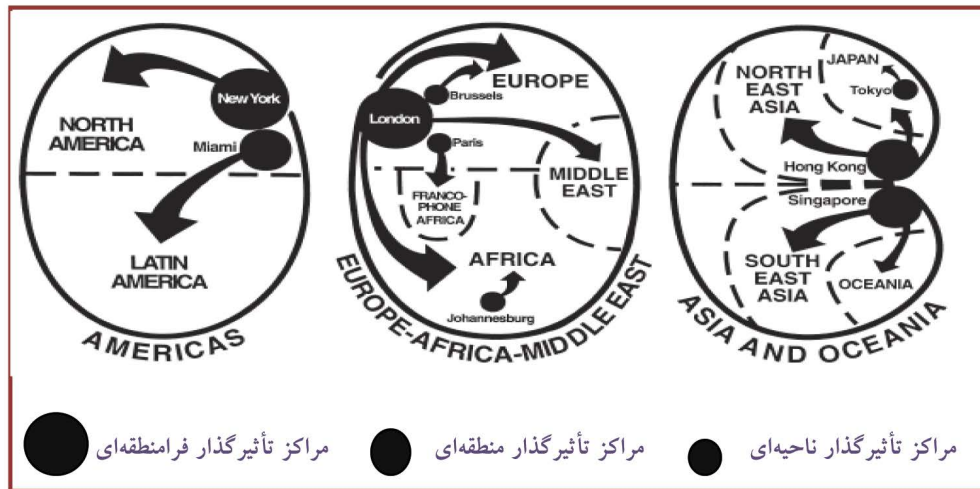
پژوهشگران زیادی در زمینه «جهان‌شهرها» کار کرده‌اند. اگر جهان‌شهر را معادل «گلوبال سیتی» بگیریم، از نظر واژه‌شناسی، ساسکیا ساسن (۱۹۸۴) اولین بار این اصطلاح را به کار برد. نخستین اثر علمی درباره شهرهای جهانی، کتاب «شهر جهانی» پیترو هال (۱۹۶۶) است. فریدمن (۱۹۸۶) «فرضیه شهر جهانی» را مطرح کرد و همین‌طور کاستلز (۱۹۹۶) در کتاب «جامعه شبکه‌ای» خود به مفهوم «شهرهای جهانی» اشاراتی کرده است. می‌توان اظهار کرد تقریباً در همه این اثرها، شهر جهانی در واقع همان جهان‌شهری است که نخستین بار ساسن مطرح کرده بود.

ساسن جهان‌شهرها را با سه مشخصه دگرگونی چشمگیر و مواردی در مبنای اقتصادی، سازمان‌های فضایی و ساختار اجتماعی شناسایی می‌کند و آنها را گونه‌ای جدید شکل گرفته از شهرها می‌داند (ساسن، ۲۰۰۱: مقدمه). او برای سه شهر یعنی (نیویورک، لندن و توکیو) نقش سه «شهر جهانی برتر جهان» را قائل می‌شود که هم اکنون به خاطر عظمت و برتری‌شان نسبت به سایر شهرها «جهان‌شهر» نامیده

دائماً در حال دگرگونی‌اند و هم روی آن تأثیرگذارند. به گفته فریدمن: «بر این مسئله توافق داریم که شهرها در اقتصادهای منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی مفصل‌بندی شده‌اند. ذکر این مطلب ضروری است که شهرها به عنوان مراکز عمل می‌کنند که از طریق آنها پول، نیروی کار، اطلاعات، اجناس و دیگر متغیرهای وابسته اقتصادی جریان می‌یابند (فریدمن، ۱۹۹۵: ۲۲). تیلور نیز می‌گوید: من دریافتم از نظر فضایی دولت‌ها، فضای سیاسی مکان‌ها را تعریف می‌کنند و شهرها، فضای اقتصادی جریان‌ها را نمایش می‌دهند (تیلور، ۲۰۰۵: ۷۰۵). «شهرها بیشتر از اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی حلقه‌های پیوندند. ارتباطات سلسله‌مراتبی ضرورتاً ارتباطات قدرتمند، و رقابت برای مکان همیشه در میان شهرها شدید است. رقابت بین منطقه‌های شهری کارآمد، با توجه به هیاهو و جنجال شهرها در به دست آوردن سهم بزرگ‌تری از شیرینی اقتصاد جهانی و پشتیبانی سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها که به نحو روزافزونی آنها را بازیگران اصلی می‌سازد، وجه بارز دور جاری جهانی‌شدن در اروپا و همچنین در بخش بزرگی از بقیه جهان است» (شورت، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۵۷).

«برمن و راندینلی» چنین استدلال می‌کنند که جهانی‌شدن فشاری بر شهرها در بسط و گسترش فرهنگ‌های خاص خود وارد می‌کنند به شیوه‌هایی که کسب و کار، سرمایه‌گذاری و حرفه‌هایی با فناوری بالا را جذب کنند و اینکه ساکنان و کارآفرینان خود را قانع کنند که در همان جا بمانند. بدین معنی که فرهنگ نیز در روند جهانی‌شدن به شهرها کمک می‌کند تا با کمک فرهنگ خود به جذب سرمایه در اقتصاد جهانی پرداخته و خود را بین جهان‌شهرها مطرح نمایند. فرهنگ مسلط جهان‌شهرها که «بین‌المللی» است، به وسیله لایه‌های اجتماعی کنترل‌کننده‌اش - که «لزلی اسکالار» آن را طبقه سرمایه‌داری بین‌المللی نامیده - تعریف شده است (فریدمن، ۱۹۹۵: ۲۳).

گرچه «رسانه‌های همگانی الکترونیکی و تحرک‌های فراملی، انحصار دولت ملی مستقل بر پروژه مدرنیزاسیون



نگاره ۱: حوزه عملکرد منطقه‌ای جهان شهرها (تیلور، ۲۰۰: ۲۵)

متفاوت و قومیت‌هایی است که قبلاً ناشناخته بوده‌اند و گستره عظیمی از مهاجران معمولی و نخبگان تجاری را در خود جای داده‌اند. این گروه از پژوهشگران با بررسی و تحلیل تفصیلی کارکردهای برخی شهرهای منتخب که آنها را شهر جهانی نامیده‌اند، به شیوه علمی در مورد این نوع شهرها به بحث و بررسی پرداختند. به این ترتیب، مبانی علمی «جهان‌شهر» تبیین شد. هر کلان‌شهری که در سطح بین‌المللی یا جهانی در یکی از حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ و سیاست بتواند تأثیرگذار باشد و به عنوان یک مرکز و قطب برتر، کارکردهایی نظیر فرماندهی، سلطه و کنترل بین‌المللی در فضای ژئوپلیتیکی خود را بر عهده گیرد، دارای جایگاه جهان‌شهری است (نگاره ۱).

به عبارت دیگر، جهان‌شهر، کلان‌شهری است بین‌المللی، خوش‌ارتباط، مشارکتی، قطبی‌شده، ناهمگون، تأثیرگذار، جریان‌ساز، متعامل و بانفوذ که حداکثر زیرساخت‌های لازم شهری و ارتباطی را داراست و در یک یا همه حوزه‌های اصلی جهانی شدن (اقتصاد، فرهنگ، سیاست) بر یک منطقه ژئوپلیتیکی گسترده از یک یا چند قاره، تسلط نسبی مستقل (مانند میامی با تسلط بر حوزه امریکای لاتین) یا مشترک (مانند هنگ‌کنگ و سنگاپور با تسلط در آسیا) دارد. جهان‌شهرها مکان‌هایی مهم و مظهر قدرت اقتصادی و سیاسی‌اند (شورت، ۱۳۹۲: ۳۴).

می‌شوند. این شهرها با توجه به موقعیت راهبردی که دارند، نبض اقتصاد جهان را به تکاپو وا می‌دارند. ساسن «جهان‌شهرها» را در دو حوزه متفاوت مورد توجه قرار می‌دهد: جهان‌شهر به عنوان مرکز فرماندهی و «جهان‌شهر» به عنوان شهر قطبی‌شده.

جهان‌شهرها در سطح جهانی در بطن فعل و انفعالات فراملی، جنبش‌های فرهنگی، داد و ستدهای اقتصادی هستند. این شهرها مراکز فرماندهی اقتصاد جهانی‌اند و به عنوان نقاط ارتباطی جامعه جهانی و مکان‌های مهم تحولات اجتماعی و اقتصادی عرض اندام می‌کنند.

فریدمن (۱۹۸۶) این شهرها را «نقاط کانونی» اقتصاد جهانی معرفی می‌کند و شهرهای «توکیو، لس‌آنجلس، شیکاگو، نیویورک، لندن، پاریس، زوریخ، روتردام و سائوپائولو» را به عنوان مراکز سطح اول سلسله‌مراتب شهری جهانی نام می‌برد. نیگل تریفت شهرهای جهانی را مراکز جوامع متشخص جهانی تولید دانش می‌داند. او به قدرت مستقل و بلامنازع این محیط‌های فرهنگی سرمایه اشاره می‌کند.

شورت عقیده دارد که یک شهر جهانی مقرر و مظهر فضایی شدن ناهمگون جریان‌ها است که نظام‌های بانکداری و حوزه‌های تجاری و حقوقی را در خود جای داده است. به نظر شورت شهر جهانی منزل بسیاری از ملیت‌های

جدول ۱: رتبه‌بندی شهرها در چهار حوزه ارتباطات شبکه‌ای

رتبه	ارتباطیابی شبکه جهانی	ارتباطیابی شبکه بانکی	ارتباطیابی شبکه رسانه‌ای	ارتباطیابی شبکه NGOها
۱	لندن	لندن	لندن	نایروبی
۲	نیویورک	نیویورک	نیویورک	بروکسل
۳	هنگ کنگ	توکیو	پاریس	بانکوک
۴	پاریس	هنگ کنگ	لس آنجلس	لندن
۵	توکیو	سنگاپور	میلان	دهلی نو
۶	سنگاپور	پاریس	مادرید	مانیل
۷	شیکاگو	فرانکفورت	آمستردام	واشینگتن
۸	میلان	مادرید	تورنتو	حراره
۹	لس آنجلس	جاکارتا	استکهلم	جنوا
۱۰	تورونتو	شیکاگو	کپنهاگ	مسکو

(تیلور، ۲۰۰۴: ۹۹)

### ۲-۳-۱- شاخص‌های ۱۲ گانه جهان شهرها

براساس تفاسیر و تحلیل‌هایی که توسط محققانی چون (هال، اولمن، فریدمن، تریفت، ساسن، تیلور و...) انجام گرفته، «کارکردهای شهری جهانی» که صرفاً توسط جهان شهر اجرایی می‌شوند و می‌توان آنها را شاخص خوبی برای تشخیص یک جهان شهر به حساب آورد از این قرارند:

- ۱- مرکز قدرت سیاسی؛ ۲- گذرگاه تجارت و داد و ستد (با بندرگاه، فرودگاه، راه‌آهن، مسیرهای تجاری و مانند آن)؛ ۳- نقاط مرکزی فرآوری و پخش اطلاعات و فرهنگ (با نهادهای عمده دانشگاهی، موزه‌ها، سرورهای اینترنتی، رسانه‌های ارتباط جمعی با دسترسی جهانی و مانند آن)؛ ۴- میزبان رویدادهای بین‌المللی مانند (ورزشی، فرهنگی، سیاسی)؛ ۵- مراکز جاذب جمعیت؛ ۶- کانون‌های جابجایی جهانی یا گردشگری؛ ۷- مکان‌های جاذب سرمایه انسانی و جوامع معروف مانند (دانشمندان، هنرمندان، جنبش‌های محبوب)؛ ۸- مکان‌های برتر آیین‌های مذهبی (مکان‌های زیارت، نمادهای روحانی، دفاتر مرکزی سازمان‌های مهم دینی و مانند آن)؛ ۹- مقر دفاتر مرکزی بین‌المللی، غیردولتی و تعاونی؛ ۱۰- مکان‌های معماری نمادین؛ ۱۱- مأمّن‌هایی برای پناه‌جویان؛ ۱۲- کلان‌شهرهایی با شهرت سطح اول

جهانی (اکتوبر، ۲۰۰۹: ۱۰ و رستمی، ۱۳۹۲: ۶۱).

برخی مجموعه‌های فرهنگی را برای تعیین جایگاه جهان شهر حیاتی ارزیابی می‌کنند: نگارخانه‌ها، محل‌های کنسرت موسیقی، رستوران‌ها، و جشنواره‌های ورزشی. چرا که از نظر آنها اقتصاد فرهنگی به همان اندازه اقتصاد مالی معرف جهان شهرهاست (شورت، ۱۳۹۲: ۳۳). مطالعات تیلور، وضعیت شهرهای جهانی را با چهار شاخص مختلف «شبکه فراگستر جهانی، شبکه بانکی، شبکه رسانه‌ای و شبکه NGOها» نشان می‌دهد. طبق جدول او (لندن) در هر چهار حوزه، «نیویورک» در سه حوزه اول و «هنگ کنگ» در دو حوزه اول، جزو چهار شهر برتر محسوب می‌شوند و این «توکیو» است که استثنائاً فقط در حوزه دوم؛ یعنی در حوزه ارتباطیابی شبکه بانکی جزو چهار شهر برتر محسوب می‌شود (جدول ۱).

### ۲-۴- تفاوت شهر جهانی<sup>۱</sup> و جهان شهر

همانطور که مطرح شد از نظر واژه‌شناسی، ساسکیا ساسن (۱۹۸۴) اولین بار اصطلاح جهان شهر را به کاربرد. اما واژه شهر جهانی برای اولین بار توسط پاتریک گدس (۱۹۱۵) استفاده شد. البته این دو واژه شباهت‌های بسیاری با هم دارند و گاهی اوقات نیز به جای یکدیگر استفاده

با سایر شهرهای جهانی، یکی می‌تواند بالاترین رتبه را در میزان فعالیت‌های اقتصادی کسب نماید و به عنوان مکانی مرکزی نقش‌آفرینی نماید. در این حالت شهر جهانی به جهان‌شهر تغییر وضعیت داده است. کلاً شهرهای جهانی برای اینکه از منافع اقتصاد جهانی بهره بیشتری کسب نمایند همواره تمایل دارند به سوی جهان‌شهر شدن پیش روند.

### ۳- یافته‌های تحقیق

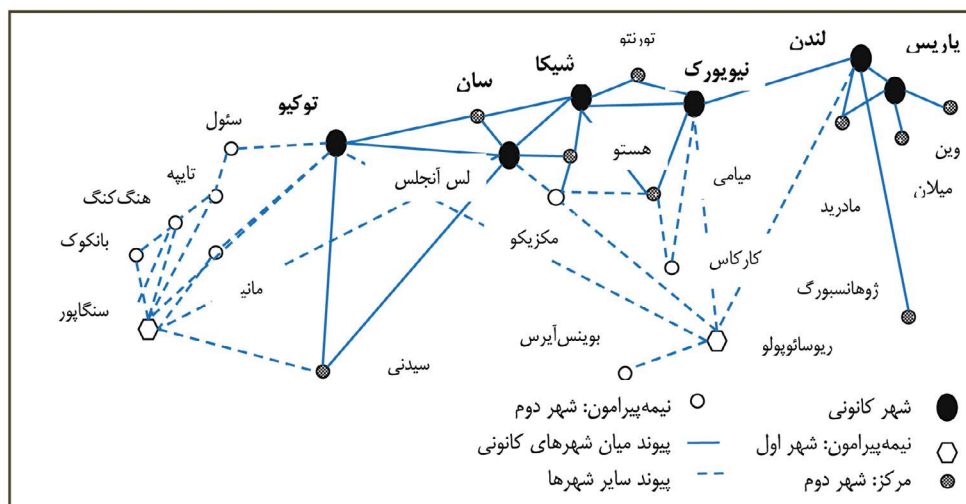
شهر تنها مجموعه‌ای از ساختمان‌ها در یک مکان مخصوص نیست. شهر فضای تولید شده به وسیله کنش‌های اصولی و قوانین مخصوص تاریخی و جغرافیایی، ارتباطات اجتماعی تولید و بازتولید، عملکردهای دولت، شرکت‌ها و رسانه‌های ارتباطی و غیره را طراحی می‌کند (دونالد، ۱۹۹۲: ۶ و کینگ، ۱۹۹۵: ۲۱۵). به عبارت دیگر شهرها مخلوق فرایند قدرتمند شهرنشینی هستند که خود منبعث از رشد اقتصادی و تا حدی سیاست‌های دولتی است (اسکات، ۱۳۸۴: ۲۴۱). در این بین تمام شهرها یکسان تحت تأثیر جهانی شدن قرار نمی‌گیرند. هر شهر کنش متقابل جهانی و محلی خاص خود را دارد (شورت، ۱۳۸۴: ۱۸۷). به دلیل تمرکز جمعیت، سرمایه و حضور دولت در شهرها، همواره مراکز شهری بویژه شهرهای بزرگ محل ظهور و تحول جهانی شدن اقتصاد هستند. مفاهیم جهانی شدن و توسعه‌ی شهرها با یکدیگر پیوند تنگاتنگی دارند، مناطق شهری بزرگ هم مکان ممتاز توسعه و هم برانگیزاننده‌ی آن و نقطه‌ی اتصال سرزمین به جریان مبادلات جهانی هستند (لاله‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۵). در عصر جهانی شدن، شهرهای بزرگ و کوچک جهان از دورترین نقطه‌ی شرق آسیا تا قلب خاورمیانه، اروپا و آمریکا با سیستم‌های رایانه‌ای و وسایل جدید حمل و نقل و مبادله به شدت به هم پیوسته و عنصر تفاوت‌های زمانی و مکانی در حال ناپدید شدن است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۲۸). در نقشه‌های جدید ژئوپلیتیکی نیاز به شناسایی جهان‌شهرها داریم و در این فرایند فضای جریان‌ها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ بنابراین به بررسی شهرها و روابط آنها - به‌خصوص

می‌شوند؛ مثلاً منظور گدس از شهر جهانی برای برخی شهرها مثل لندن یا نیویورک همان جهان‌شهری است که برخی نظریه‌پردازان مانند ساسن به کار می‌برند. کلمه‌ای که گدس با عنوان «شهر جهانی» به کار برد امروزه توسط بسیاری اندیشمندان مانند جان رنه شورت (۲۰۰۴) و تیلور (۲۰۰۴) و ساسن (۲۰۰۰) با اصطلاحی معادل «جهان‌شهر» به کار می‌رود. از این رو گرچه اصطلاحی که به کار می‌برد گاهاً متفاوت است اما منظور آنها از این اصطلاحات بعضاً همان جهان‌شهر است.

شهرهای جهانی شهرهایی هستند که در شبکه شهری جهانی جریان‌ها، افراد، کالاها، عقاید و کارکردها با هم در ارتباطند، اما این ارتباط سست، ناپایدار و ضعیف است (استانبول و مسکو)، در مقایسه جهان‌شهرها، شهرهایی که به تدریج به مقام جهان‌شهر رسیده‌اند، از جمله (لندن، نیویورک، توکیو، هنگ‌کنگ، سنگاپور و پاریس) کانون و مرکز ثقل شبکه شهری جهانی و تمامی فعل و انفعالات مرتبط به آن هستند. اگر از استعاره «سلسله‌مراتب» استفاده کنیم، در آن صورت چنین شهرهایی در رأس این سلسله‌مراتب جای دارند و اگر چنانچه از استعاره «شبکه» استفاده کنیم، آنها نقاط اصلی تبادل و شهرهای جهانی هم پیوند به معنای اخص هستند (رستمی، پورموسوی و تورجی، ۱۳۹۰: ۵۳).

بزرگترین شهرها در جهان تقریباً جهانی شده‌ترین شهرها نیز هستند؛ اما همه شهرهای بزرگ، جهان‌شهر نیستند زیرا جهان‌شهر فضای ملی را در یک شهر یا بیشتر به اشتراک می‌گذارد که به منزله دروازه‌ای در امر پیوندهای جهانی عمل می‌کند (شورت، ۱۳۹۲: ۹۰). یک شهر مراحل چندی را طی می‌کند تا یک جهان‌شهر شود. مراحل تکامل یک «نوزادشهر» تا «مادرشهر» به سهولت انجام می‌شود، اما از این مرحله به بعد محدودیت‌های بیشتری دارد. زمانی که کلان‌شهر در اقتصاد جهانی پست‌فوردیسم جایگاهی را به خود اختصاص دهد و به عنوان یکی از گره‌های شبکه اقتصاد جهانی نقش‌آفرین شود، از کلان‌شهر به شهر جهانی تغییر وضعیت می‌دهد. از هر چندین شهر جهانی در رقابت





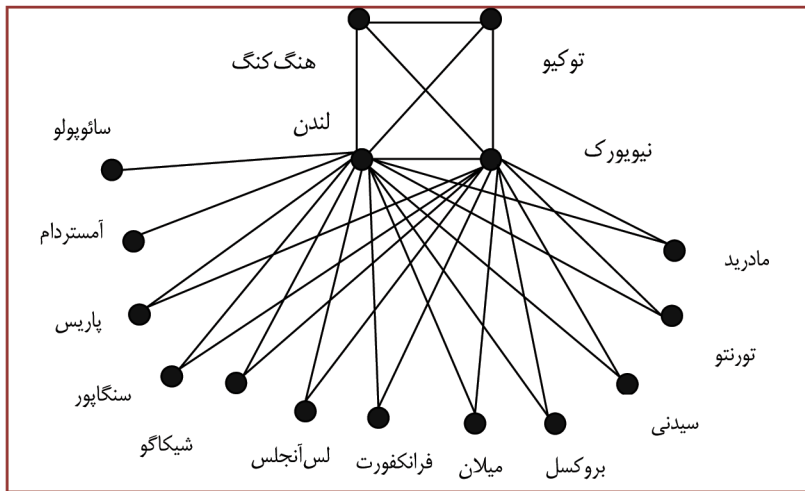
نگاره ۲: سلسله‌مراتب  
«شهرهای جهانی» (آکوتو،  
۲۰۰۹: ۴؛ تیلور، ۲۰۰۴: ۲۳)

این شهرها به عنوان شهرهای جهانی سنتی، به مقام جهان‌شهر دست یافته‌اند. در پژوهش‌های علمی دیگر نیز ابتدا شهرهای جهانی انتخاب شده و سپس با غربال آنها مجموعه‌ای از شهرهای جهانی برتر «جهان‌شهرها» براساس برخی شاخص‌های انتخابی مانند «شاخص‌های ۱۲ گانه پژوهشگران»، گزینش و مابقی حذف شدند. بر این اساس ۱۶ شهر انتخاب شده و با استفاده از شاخص‌ها و وزن هر شهر براساس شاخص‌ها، ۴ شهر «نیویورک، لندن، توکیو، هنگ‌کنگ» به عنوان شهرهایی شناخته شدند که بر همه شهرهای دیگر مسلط هستند. بنابراین همانند تحلیل فریدمن از سلسله‌مراتب شهرهای جهانی در نگاره ۲، ۴ شهر نخست «شهرهای جهانی جهانی شده» یا همان جهان‌شهر هستند. ۱۲ شهر دیگر «شهر جهانی وابسته یا دنباله‌رو» هستند و وابستگی شدیدی به پیوندهای بین‌شهری با این ۴ جهان‌شهر دارند. که رأس سلسله‌مراتب را به خود اختصاص داده‌اند، دارند. البته بعداً جهان‌شهرها به ۶ عدد افزایش یافته (نگاره ۱) که با کارکردهای فراقاره‌ای خود سراسر سیاره زمین را در حیطه نفوذ خود دارند.

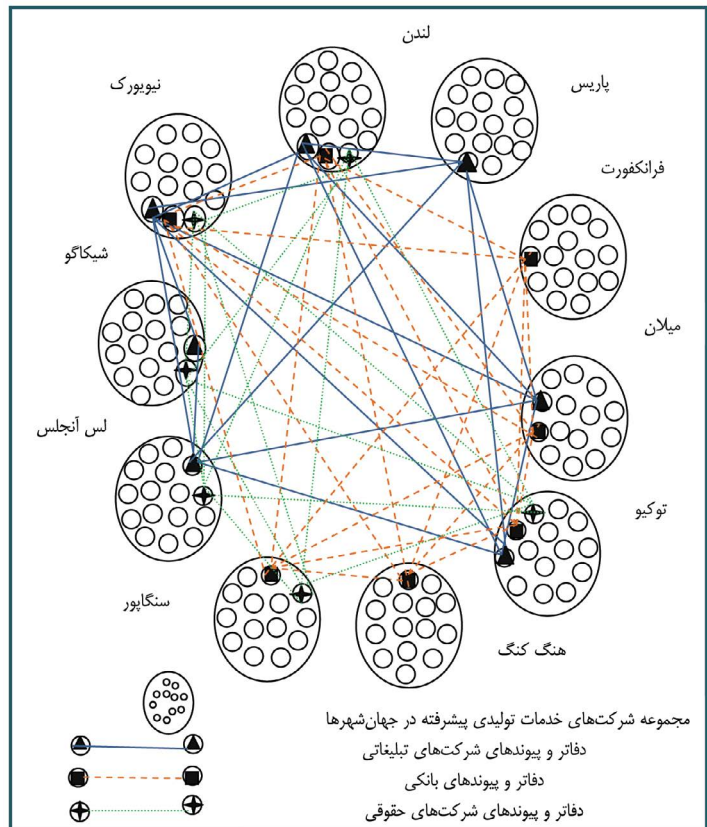
«شورت و کیم» نیز در رابطه با شناسایی «جهان‌شهرها» به سه عنصر در قدرت اقتصادی توجه می‌کنند: بازار بورس سهام، دفاتر مرکزی شرکت‌های مهم و دفاتر ریاست بانک‌های مهم. این تحقیقات روند داده‌ها را در طول زمان بررسی می‌کنند تا به برداشتی از مسیر دگرگونی - تغییر

اقتصادی - از دیدگاه دانشمندان مختلف می‌پردازیم. فریدمن از نخستین کسانی بود که به نظریه‌پردازی درباره جهان‌شهرها پرداخت. به نظر او جهان‌شهرها مکان‌هایی هستند که در قالب یک «نظام فضایی» سازمان‌یافته به عنوان کانون یا گره‌گاه‌های اقتصاد جهانی به ایفای نقش می‌پردازند. از نگاه او شهرهای جهانی نظام‌هایی اقتصادی - اجتماعی در «سازمان فضایی» هستند که بیشتر نمودی از مکان‌ها می‌باشند تا بازیگران (فریدمن، ۱۹۹۵: ۲۳). فریدمن در راستای نظریه خود نقشه‌ای از یک نظام ارائه نمود که پیرامون سه زیرنظام متمایز جغرافیایی - آسیا، آمریکا، اروپای غربی - با محور شرقی - غربی به هم پیوند یافته که در آن «شهرهای برتر»؛ یعنی «توکیو، لس‌آنجلس، شیکاگو، نیویورک، لندن و پاریس» گره‌گاه‌های اصلی‌اند (نگاره ۲).

بعد از آن دانشمندان زیادی با شاخص‌های مختلف - بیشتر اقتصادی - سعی در شناسایی جهان‌شهرها داشته‌اند. یکی از آنها «پیتر تیلور» است که براساس تحقیقی تجربی و با واکاوی در نظریه «جهان‌شهر» ساسن، این گونه اظهار می‌دارد که: «جهان‌شهرها بایستی به عنوان شهرهایی پیشرو شناخته شوند که رأس الگوهای سلسله‌مراتبی نظام شهری جهانی را اشغال کرده‌اند». براساس این تعریف، او شکلی ارائه می‌دهد که در آن چهار شهر «لندن، نیویورک، توکیو و هنگ‌کنگ» را در رأس شهرهای دیگر قرار داده است (نگاره ۳).



نگاره ۳: پیوندهای شهرهای جهانی با ۴ جهان شهر (تیلور، ۲۰۰۴: ۱۱۸)



نگاره ۴: ده جهان شهر برتر و وضعیت شرکت‌های خدمات تولیدی پیشرفته آنها (تیلور، ۲۰۰۴: ۶۲)

همچنان که زمین می‌چرخد سه شهری که مکانی راهبردی دارند، پوشش ۲۴ ساعته جهانی را می‌توانند به دست دهند. در نتیجه به رغم پراکندگی کند در طول سی سال گذشته سهم بزرگی از کارکردهای فرماندهی همچنان در چند شهر متمرکز است. نیویورک، لندن و توکیو همچنان مراکز تجمع کارکردهای فرماندهی اقتصاد جهانی‌اند. آنها با هم پوشی ۲۴ ساعته پوشش پیوسته جهانی بر بازارهای داد و ستد را ایجاد

در نقشه ژئوپلیتیکی - دست یابد. در عین حال که داده‌ها جایگاه «نیویورک، لندن و توکیو» را تأیید می‌کند، افول نسبی دیگر شهرهای اروپایی به ویژه پاریس و فرانکفورت را نیز نشان می‌دهد. شورت یافته‌های خود را بدین طریق نظریه‌پردازی می‌کند: جهان را در طول ۲۴ ساعت در نظر بگیرد. برای پوشش کامل ۲۴ ساعته سه شهر جهانی لازم است: یکی در آسیا، یکی در اروپا و دیگر در امریکا.

**فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (ص ۷۳)**  
**جهان‌شهرها و نقشه‌های جدید ژئوپلیتیکی / ۷۳**

شرکت‌هایی را با دست کم ۱۵ دفتر جداگانه مشخص و پیوند بین ۳۱۶ شهر را شناسایی کردند. آن شهرهایی که حداقل یک‌پنجم پیوندهای مرتبط‌ترین شهر - یعنی لندن - را داشتند به منزله شهرهای جهانی تعیین و در مجموع ۱۲۳ شهر جهانی را شناسایی کردند. آنها یکی از پیچیده‌ترین شبکه‌های شهرهای جهانی را در اختیار ما گذاشتند که تا آن زمان تولید شده بود (شورت، ۱۳۹۲: ۴۴).

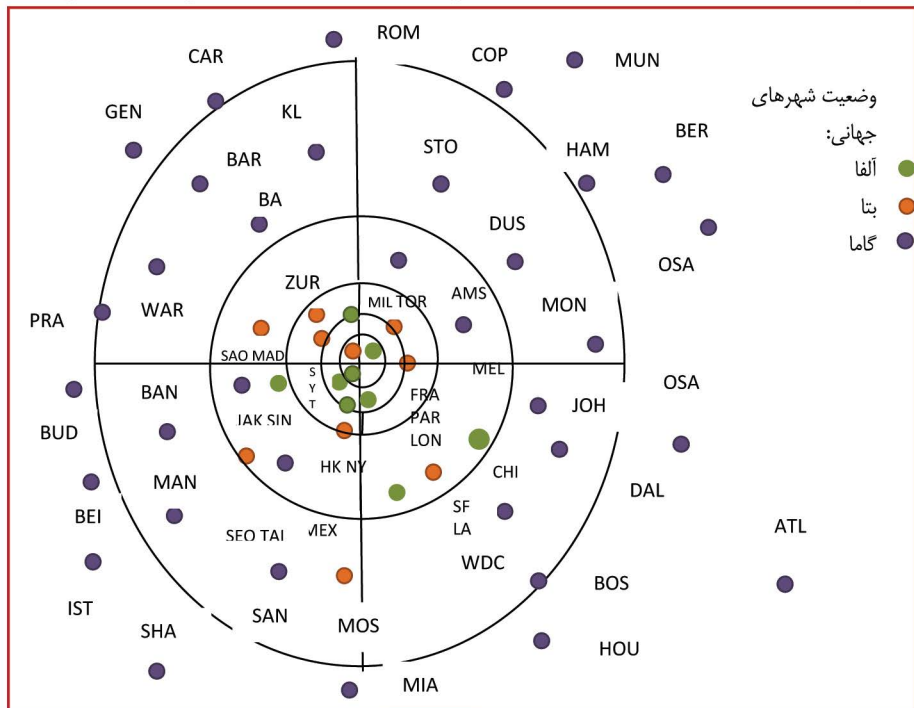
اما در مطالعات دیگر مرتبط با «شهرهای جهانی»، این شهرها براساس ملاک‌های مختلف به سه رده مشخص شامل: (۱) شهرهای «آلفا» شامل ۱۰ شهر جهانی برتر جهان؛ (۲) شهرهای «بتا» شامل ۱۰ شهر جهانی درجه دوم جهان؛ (۳) شهرهای «گاما» شامل ۳۴ شهر جهانی درجه سوم، تقسیم می‌شوند. بنابراین از مجموع ۵۴ «شهر جهانی» شناخته‌شده توسط پژوهشگران «شهرهای جهانی و جهان‌شهرها»، ۱۰ شهر برتر از سایرین قرار می‌گیرند که همان شهرهای آلفا هستند. ۴ شهر از این ۱۰ شهر برتر، همان جهان‌شهرهای شناخته‌شده یعنی (لندن، نیویورک، توکیو، پاریس و هنگ کنگ) هستند و ۶ شهر دیگر این گروه، در نقش شهرهای پیشرو گروه‌های «بتا و گاما» به سوی «جهان‌شهر شدن»

می‌کنند. آنها از طریق آفریدن فرصت‌های بازار در زمان‌های مناسب بیش از آنکه به رقابت با یکدیگر برخیزند مکمل یکدیگرند (شورت، ۱۳۹۲: ۳۶ و ۳۵).

مطالعه‌ای نیز طبق تعداد و ارزش خدمات تولیدی پیشرفته در شهرهای جهانی در سه حوزه مهم و معتبر خدماتی (دفاتر تبلیغاتی، بانکی و خدماتی) انجام گرفته است (نگاره ۴).

در نگاره ۴، تیلور، «لندن، نیویورک، توکیو، هنگ‌کنگ، پاریس، فرانکفورت، سنگاپور، لس‌آنجلس، شیکاگو و میلان» را ۱۰ شهر جهانی برتر جهان دانسته است. البته قبل از مطالعات تیلور، «فریدمن» شش شهر از این ده شهر؛ یعنی «لندن، نیویورک، توکیو، پاریس، لس‌آنجلس و شیکاگو» را به عنوان شهرهای جهانی برتر جهان نام برده و آنها را گره‌گاه‌های اصلی شبکه شهری جهانی نامیده بود. «پژوهشگران بنیاد جهانی شدن و شهرهای جهانی» توزیع خدمات تولیدگر پیشرفته در سرتاسر جهان گستره‌ای از شهرها را مورد توجه قرار داده‌اند تا شبکه‌ای از شهرهای جهانی را شناسایی کنند. ماتریسی از داده‌های ۳۱۶ شهر و ۱۰۰ شرکت را در حوزه‌های حسابداری، تبلیغات، بانکداری/ بیمه، حقوق و مشاوره مدیریت به دست دادند.

نگاره ۵: گرایش‌های  
 سلسه‌مراتبی در فضای خدمات  
 جهانی (تیلور، ۲۰۰۱: ۲۱۸)



هنگ‌کنگ». دو شهر دیگر آلفا در دورترین فاصله از مرکز، شهرهایی امریکایی هستند؛ «لس‌آنجلس و شیکاگو». در مقابل هشت شهر بتا قرار دارند، که مرکزی‌تر هستند؛ شامل «سیدنی، مادرید، تورونتو و بروکسل». این گروه شهرهای بتا همچنین شامل «سافرانسیسکو» می‌شود که مکان بهتری را نسبت به لس‌آنجلس یا شیکاگو برای فضای خدمات جهانی دارد. «مسکو» گریزنده‌ترین شهر از مرکز در میان شهرهای بتا است؛ بیشتر شهرهای گاما به طور گسترده‌ای جدا و پراکنده شده از مرکز هستند؛ اگرچه چهار عدد از شهرهای گاما به طور قابل توجهی در مرکز هستند؛ شامل «آمستردام و ملبورن» (هر دو فراتر از تورنتو در نگاره ۵) و «جاکارتا و تایپه» (که به ترتیب نزدیک سنگاپور و سئول هستند). در مقابل، گریزنده‌ترین شهرها از مرکز به ترتیب «مینیا پولیس» (در یک چهارم جنوب شرقی) است که شهر جهانی با حداقل تدارکات خدماتی است. علاوه بر نظم سلسله‌مراتبی، همچنین نظم منطقه‌ای هم برای فضای جهانی وجود دارد. با یک تقسیم ساده دایره مانند به چهار ربع، ۵۵ شهر درون سه منطقه جغرافیایی اصلی تقسیم می‌شود:

۱- اروپا (که خود قابل تقسیم به سه زیرمنطقه است)؛  
۲- ایالات متحده آمریکا؛ ۳- آسیای اقیانوس آرام (نگاره ۶).  
ده شهر که وابسته به هیچ کدام از این سه منطقه نیستند (پنج تا از امریکای لاتین، دو تا از کانادا و دیگری از استرالیا، و یکی از آفریقا) وجود دارد. از ۴۵ شهر باقیمانده، تنها چهار شهر خارج از قسمت اصلی هستند: «مسکو، استانبول، ازاکا و کوالالمپور». هر دو شهر اول یعنی «مسکو و استانبول» دو مثال غیرمعمول از شهرهای اروپای شرقی هستند؛ جایی که «بوداپست، پراگ و ورشو» از ایالت‌های (بلوک تجاری شرق) هستند که در مسیر پیوستن به اتحادیه اروپا قرار دارند. اما «مسکو» در این مسیر قرار ندارد و همین‌طور «استانبول» هرگز جزو بلوک تجاری شرق نبوده است. «ازاکا» دومین شهر جهانی ژاپن است. همه آن چیزی که می‌توان درباره این شهرها گفت این است که نمی‌توان آنها را درون یک فضای خدماتی جهانی دو بعدی منطبق کرد.

گرایش دارند. شهرهای بتا و گاما نیز در نقش شهرهای جهانی دنباله‌رو، برای کسب نقش جهان‌شهری با هم رقابت می‌کنند (رستمی، پورموسوی و تورچی، ۱۳۹۰: ۵۷).

فارغ از تفاوت‌های موجود بین «شهر جهانی و جهان‌شهر»، می‌توان گفت که این دو گروه، از شهرهای یک «مجمع‌الجزایر» ثروتمند از «نواحی شهری» هستند که به اعتقاد برخی طی دو یا سه دهه آینده از نظر سلطه و حاکمیت جهانی، جایگزین هفت کشور فعلی قدرتمند جهان می‌شوند. به عبارتی، در هزاره جدید، «شبکه شهرهای جهانی و جهان‌شهرها» (با مرکزیت جهان‌شهرها) یک «فراجغرافیای نوین» یا ژئوپلیتیک نوینی از کانون‌های ثروت و قدرت را شکل می‌دهند که هم‌اکنون در حال ظهور است (شورکت و کیم، ۱۳۸۶: مقدمه). این شهرها نقشه‌های جدید ژئوپلیتیکی را نیز به وجود آورده‌اند.

### ۳-۱- گرایش‌های سلسله‌مراتبی و منطقه‌ای در نقشه‌سازی جدید

با تعریف جهان‌شهر و شناسایی آن طبق روش و نظرات محققان مختلف در این قسمت با توجه به دو گرایش سلسله‌مراتبی و منطقه‌ای طبق جهان‌شهرهای شناخته شده، نقشه‌های جدید ژئوپلیتیکی را نمایش می‌دهیم. لازم به ذکر است در این راه از تصاویر و نقشه‌های تیلور و همکارانش برای درک بهتر موضوع استفاده شده است.

در تعاریف شهر جهانی، سه سطح از شهر جهانی: ۱۰ شهر جهانی (آلفا)، ۱۰ شهر جهانی (بتا) و ۳۵ شهر جهانی (گاما) بیان شد. در نقشه‌سازی جدید از همه آنها نام برده شده. خیلی واضح است که الگوی مرکزی مستقیماً مربوط است به وضعیت شهر. «مرکز - پیرامون» در این فضا گرایش سلسله‌مراتبی در تدارک خدمات جهانی را نشان می‌دهد (نگاره ۵).

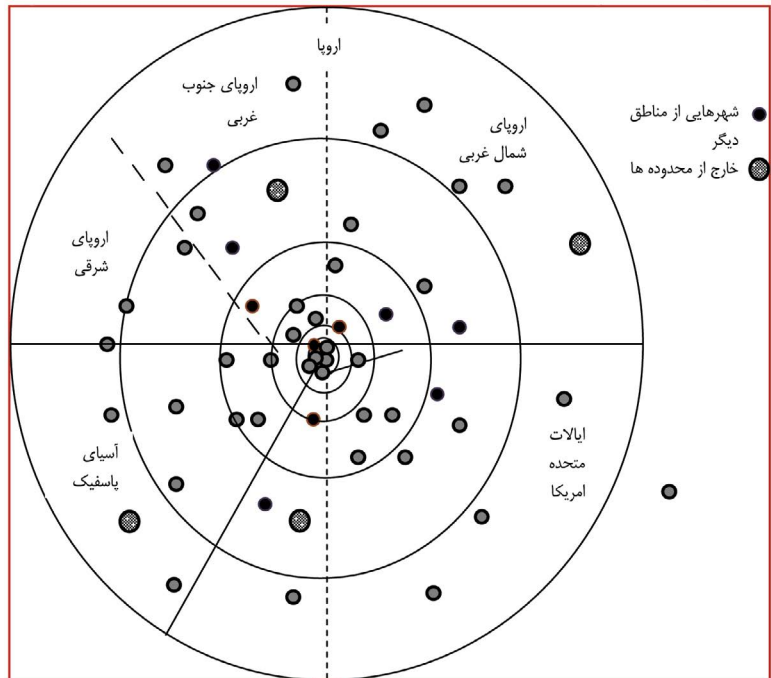
گروهی که در مرکز هستند شامل پنج شهر آلفا می‌شود که به صورت معمول شناسایی شده‌اند، به عنوان شهرهای جهانی برجسته یا برتر: «لندن، نیویورک، توکیو، پاریس و

**فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (سپهر)**  
**جهان شهرها و نقشه‌های جدید ژئوپلیتیکی / ۷۵**

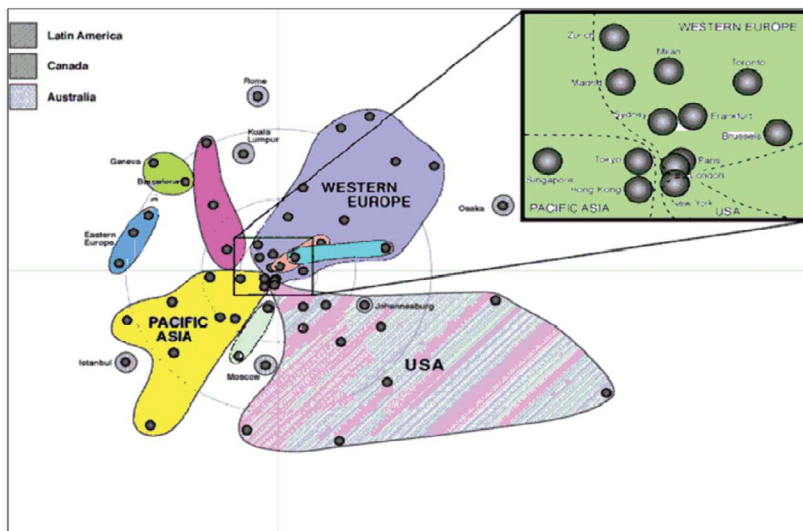
نشان داده شده، به استثنای اینکه اگرچه اروپا در همه مناطق پخش شده؛ اما شش شهر آن به طور کلی به یک گروه منطقه‌ای «اروپای غربی» اختصاص یافته است. شهرها الگوهای مشخصی را برای این مناطق شکل می‌دهند. شهرهای استرالیایی و کانادایی دو گروه کشیده را در کنار ایالات متحده از سمت اروپای غربی شکل می‌دهند؛ شهرهای امریکای لاتین دو گروه کشیده، یکی در منطقه اروپا و یکی بین ایالات متحده و آسیای اقیانوس آرام شکل

اگرچه این دلیل خوبی است که توانایی «نظم منطقه‌ای» درون فضایی را نشان می‌دهد که فقط ۴ شهر خارج از مرکز در آن وجود دارد؛ ۴۱ شهر از ۴۵ شهر، الگوی روابطی را نشان می‌دهند که دقیقاً مکان‌های جغرافیایی‌شان را منعکس می‌کند. یعنی دقیقاً منطبق بر مکان‌هایشان روی نقشه‌های جغرافیایی و سیاسی هستند.

اما در نگاره ۷، گروه‌های منطقه‌ای شهرها شناسایی شده‌اند. سه منطقه اصلی بر مبنای مناطق واقعی جغرافیایی



**نگاره ۶: تقسیمات منطقه‌ای در فضای خدمات جهانی**  
 (تیلور، ۲۰۰۱: ۲۱۹)



**نگاره ۷: گرایش‌های منطقه‌ای در فضای خدمات جهانی و شهرها در مرکز این فضا**  
 (تیلور، ۲۰۰۱: ۲۲۰)

منطقه از هر شهر در مکان نسبتاً واقعی و درستش در نقشه نشان داده شده است. در واقع، نگاره ۷ نخستین نقشه‌سازی جدید جهان در شرایط جهانی شدن معاصر از نظر «تیلور و همکارانش» است. فضای خدمات جهانی تولیدگر، ارتباطات در سطح شبکه اجتماعی کاستلز را نمایان می‌کند؛ سطحی که در آن فعالیت‌های انسان‌ها به طور مستقیم در حال ایجاد جهان در حال جهانی شدن است. به گفته تیلور این یک نقشه‌سازی جدید از فضای جریان‌ها در هزاره جدید است (تیلور، ۲۰۰۱: ۲۲۱).

شهرهای جهانی و سه منطقه اصلی که در آن جهان‌شهرها و فضای خدمات جهانی تولیدگر جریان دارد را می‌توان روی سطوح قاره‌ها در نقشه نمایش داد. (نگاره ۸) این نقشه نمایانگر قسمت‌هایی است که در فرایند جهانی شدن به‌خصوص جهانی شدن اقتصاد اهمیت یافته‌اند. با توجه به جایگاه جهان‌شهرها در سراسر کره زمین، می‌توان نقشه ژئوپلیتیکی جدیدی ارائه داد که در آن روابط بین شهرها مهم‌تر از کشورهاست و مکمل نقشه سیاسی است (نگاره ۸). توجه به این نکته که در نقشه‌سازی جدید مهم است؛ اینکه شهرهای جهانی به مثابه مراکز خدمات جهانی در نظر گرفته می‌شوند که خدمات تجاری پیشرفته برای شرکت‌های چندملیتی تهیه می‌کنند. ارتباطات جدید و تکنولوژی‌های حسابداری، شرکت‌ها را قادر ساخته‌اند در بخش‌هایی مانند حسابداری و حقوق، خدمات خود را از شهرهای خود و یا مراکز ملی‌شان فراتر ببرند. نقشه فوق‌الذکر نشان‌دهنده این شهرها در فضای خدمات جهانی در سراسر کره زمین است. با توجه به این نقشه، درجه اهمیت کشورها براساس جهان‌شهرها و شهرهای جهانی‌شان مشخص می‌شود، نه براساس دولت‌هایشان. در این نقشه، مرزهای اقتصادی از اهمیت بیشتری نسبت به مرزهای سیاسی برخوردارند؛ اگرچه مرزهای سیاسی کم‌رنگ نشده‌اند، تغییراتی در نقش و کارکرد آنها اتفاق افتاده است. در واقع، شهرهای جهانی هستند که حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی کشورشان را مشخص می‌کنند.

می‌دهند. این تقسیم‌بندی شهرهای امریکای لاتین، اعضای «نفتا» را منعکس می‌کند: «مکزیکوسیتی و سانتیاگو» در گروه اخیر بین «نیویورک و میامی» قرار دارند؛ گروه دیگر «سائوپولو، کارکاس و بوینس‌آیرس» است، بیشتر در جهت آتلانتیکی - اروپایی و بین مادرید و بارسلونا قرار می‌گیرند (نگاره ۷).

کشیدگی‌ها در نگاره ۷ درهم‌تنیدگی نظم منطقه‌ای و سلسله‌مراتبی را بیان می‌کنند: آنها گرایش دارند موج‌ها را از مرکز به پیرامون دنبال کنند. در نمونه کشیدگی‌های امریکای لاتین، دو شهر بتا «سائوپولو و مکزیکوسیتی» نسبت به دیگر شهرهای خارج به سمت پیرامون‌های خودشان، نسبتاً مرکزی هستند. «استرالیا و کانادا» دو مثال از پنج کشوری هستند که دو شهر جهانی داخل آنها گرفته است.

کشیدگی‌های «کانادا و استرالیا» شهرهای جهانی نخست خود را (به ترتیب سیدنی و تورونتو) نزدیک مرکز با دیگر شهرهای جهانی، به سمت پیرامون نشان می‌دهند. سه کشور اروپایی که دارای دو شهر جهانی هستند «ایتالیا، اسپانیا و سوئیس» وجود دارد؛ «روم» روی یک خط سیر خارج از میلان که نزدیک مرکز است، قرار دارد، و «بارسلونا و جنوا» روابطی شبیه «به ترتیب مادرید و زوریخ» دارند. کشور دیگر با یک جفت شهر جهانی، «ژاپن» است، یکی در مرکز (توکیو)، دیگری در پیرامون (ازاکا). اما آنها جهت‌گیری آسیایی ندارند؛ زیرا «ازاکا» خارج از مرکز است (نگاره ۶). نهایتاً کشیدگی‌های اروپای شرقی چنین خط سیر مرکز - پیرامونی ندارد؛ زیرا شهر نخستی نزدیک مرکز فضای خدمات جهانی ندارد: مسکو تنها کاندیدای درون مراکز تجاری جهانی - از بین «پراگ، بوداپست و ورشو» از زمان پایان جنگ سرد - است. باید به این نکته توجه کرد که سه منطقه اصلی، درهم‌تنیدگی و نزدیکی منطقه و سلسله‌مراتب را بیان می‌کند. در هر نمونه فضای منطقه‌ای، هر منطقه در نگاره ۷، به یک شبه‌جزیره در مرکز می‌ماند. شبه‌جزایر با جزئیات بیشتر در سمت راست بالای تصویر نشان داده شده؛ جایی که دقیقاً جدایی شهرهای جهانی اصلی در هر



نگاره ۸: شهرهای جهانی در سطح جهان (تیلور، ۲۰۰۰)

#### ۴- تجزیه و تحلیل

سیاسی جهان» شده‌اند. «چایلد هیل» در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۰۰ درباره نقش شهرهای جهانی انجام داده است، به این نتیجه رسیده که جهانی شدن، یک سیستم شهری جهانی ایجاد کرده است و هرچه اقتصاد بیشتر جهانی می‌شود، تمرکز کارکردهای محوری در چند شهر محدود جهانی زیادتر می‌شود (فصیحی، ۱۳۸۱: ۱۲).

پیوند ساده‌ای بین جهان‌شهرها و دولت برقرار نیست. در برخی موارد، منطقه شهری ممکن است از سرنوشت بقیه اقتصاد فضای ملی جدا بماند؛ در مواردی دیگر سرنوشت ملت - دولت و جهان‌شهر به نحوی تفکیک‌ناپذیر به هم گره خورده است. جهان‌شهرها موطن ملیت‌های بسیار گوناگون‌اند. اجتماع‌های فراملی فقیر و ثروتمند از گروه‌های بسیار متفاوت ملی و قومی را در جهان‌شهرها بازشناخته‌اند. این اجتماع‌ها هم حاملان و هم انتقال‌دهندگان جریان‌های جهانی شدن اقتصاداند (شورت، ۱۳۹۲: ۴۳ و ۳۲).

پیدایش دولت - شهرهای جدا از اقتصاد ملی خود و ایجاد پیوندهای شهر به شهر فراتر از مرزهای بین‌المللی، از دگرگونی‌های مهم است. چیزی که ما شاهد آنیم یعنی برآمدن اقتصادهای شهری جدا از اقتصادهای ملی، در مقام نظام‌های برابر‌ساز در سطح ملی که کم ارزش شده‌اند، تقریباً بازگشت به دوران مجموعه‌های دولت - شهرها در نبود

از همان لحظه که اصطلاح «شهر جهانی» برای نخستین بار استفاده شد، با تمرکز قدرت و ثروت درون متن جهانی عجین بود (گلدز ۱۹۶۸ و هال، ۱۹۶۶). به گفته «براول» شهرهای جهانی اینطور در مرکز قرار گرفتند: «شهرها با سرنوشت‌های بین‌المللی»، که همیشه در مرکز جهان اقتصاد بودند (براول، ۱۹۸۴ و لیونز و سالمون، ۱۹۹۵: ۹۸).

در طول دهه‌های پرآشوب ۱۹۶۰ به بعد، تغییرات در سازماندهی فعالیت بین‌المللی اقتصادی و در اساس سازمان‌های پیشرفته و خدمات مالی محققان را وادار به شناسایی سیستمی از شهرهای جهانی کرد که به عنوان گروه‌های جهانی‌ای ظاهر شدند، که برای تصمیم‌گیری بین‌المللی تجاری و قاعده‌سازی استراتژی سازمانی راه‌اندازی شده‌اند (کومن، ۱۹۸۱).

این سیستم بین‌المللی شهری، در فرضیه شهرجهانی به عنوان سلسله‌مراتبی از مکان‌های شهری شناخته شده است که براساس همگرایی‌شان با اقتصاد جهانی دسته‌بندی شده‌اند (لیونز و سالمون، ۱۹۹۵: ۹۸). شهرهای جهانی در متن اقتصاد جهانی به عنوان مکان‌های پیونددهنده شبکه اقتصاد جهانی عمل می‌کنند و سبب شکل‌گیری فضای جریان‌ها و به وجود آمدن کانون‌های قدرت نوظهور در «نقشه جغرافیای

پیترو تیلور در حوزه شهرهای جهانی است. براساس نتایج تحقیقاتی گروه تیلور، ده شهر جهانی برتر، به عنوان شهرهای جهانی آلفا شناسایی شده‌اند که شش مورد آنها، یعنی «نیویورک، لندن، پاریس، توکیو، هنگ‌کنگ و سنگاپور»، «جهان‌شهر» محسوب می‌شوند. شش شهر دیگر این گروه، در صورت ادامه روند پیشرفت، در آینده به جایگاه جهان‌شهری دست می‌یابند که این مسئله می‌تواند تغییر در نقشه‌های ژئوپلیتیکی را باعث شود. همچنین شهرهای جهانی گروه‌های بتا و گاما، صرفاً به عنوان شهرهای جهانی، با درجه اهمیت متفاوت، تابع چهار «جهان‌شهر» فوق هستند.

جهان‌شهرها کانون‌های اصلی فرماندهی اقتصاد جهانی محسوب می‌شوند که در رأس سلسله‌مراتب شبکه شهرهای جهانی قرار گرفته‌اند (نگاره ۹). دگرگونی خدمات مالی، بانکداری و کسب و کار درآمیخته با دسترس‌پذیری فناوری‌های ارتباطی نوین نه فقط به تجمع بلکه به تمرکززدایی چشمگیری نیز انجامیده که شهرها و منطقه‌ها را هرچه بیشتر به پیوند با یکدیگر توانا ساخته، به گونه‌ای که آنها از بخش‌های کمتر رقابت‌جو و کمتر جهانی شده اقتصاد فضای ملی خاص خودشان جدا شده‌اند. سرنوشت جهان‌شهرها به نوعی از سرنوشت سرزمین‌های ملی خود

نظام‌های ملی تنظیم و نظارت است (همان: ۵۸). برای مخالفت با کسانی که معتقدند فرایند جهانی‌شدن به‌خصوص جهانی‌شدن اقتصاد اهمیت جغرافیا و مکان را کمرنگ کرده و دیگر، نقشه‌های سیاسی جهانی اهمیت گذشته خود را ندارند، دانشمندانی مانند تیلور دست به یکسری مطالعات زدند.

این دانشمندان نقشه‌های جدیدی را تهیه کردند که در آن شهرهای جهانی و ارتباطات آنها از اهمیت بیشتری نسبت به کشورها برخوردار است و فضای جریان‌ها از فضای مکان‌ها مهمتر است. برای تهیه این نقشه‌ها ابتدا به شناسایی شهرهای مهم جهان دست زدند.

همانطور که در طول تحقیق گفته شد تاکنون، ۵۴ شهر جهانی توسط پژوهشگران گروه تحقیقاتی تیلور شناسایی شده و براساس برخی شاخص‌های انتخابی که عمدتاً در چهار حوزه «اقتصاد، فرهنگ، امکانات زیربنایی و ارتباطات» است، در سه رده شهرهای جهانی آلفا (۱۰ شهر)، بتا (۱۰ شهر) و گاما (۳۴ شهر) طبقه‌بندی شده‌اند. به نظر می‌رسد شهر اول با شهر پنجاه و چهارم تفاوت‌هایی عمیق دارد.

شاخص‌های مورد استفاده منبعث از مطالعات پیشین از جمله فرضیه‌های «جهان‌شهر» ساسن و «شهر جهانی» فریدمن و به ویژه شاخص‌های ۱۲ گانه پژوهشگران گروه



نگاره ۹: حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی کشورهای دارای شهرهای جهانی برتر



«کشورها» تمرکز می‌کند. داده‌های ۴۶ شرکت خدماتی جهانی در ۵۵ شهر جهانی برای شناسایی ارتباطات خدمات جهانی بین شهرها (توسط دانشمندان چون تیلور) استفاده شده است. ارتباطات در قالب مقیاس‌های تقریبی شبکه درآمدند و یک سنجش چندبعدی برای «فاصله‌هایشان» برای ایجاد «فضای خدمات جهانی» شهرها بکار رفته است. نقشه‌سازی جدید جهانی یک ساختار مرکزی مشخص با شهرهای جهانی اصلی در هسته آن را نشان می‌دهد. تحقیق این ساختار عمومی الگوهای دقیق‌تر کنش متقابل گرایشات سلسله‌مراتبی و منطقه‌ای را آشکار می‌کند (تیلور، ۲۰۰۱: ۲۱۳). اگرچه بحث نقشه‌سازی جدید ژئوپلیتیکی بیشتر از فضای جریان‌ها و ارتباطات اقتصادی صحبت می‌کند اما نتیجه آن به معرفی دوباره فضای مکان‌ها می‌انجامد.

بدین معنی که فضاهای قاره‌ای به طور واضح در ناحیه‌گرایی فضای جدید آشکار شده‌اند؛ و دولت‌ها با شدت کمتری - در سایه شهرهای جهانی اصلی‌شان - دوباره مطرح می‌شوند. به طور کلی فضای مکان‌ها و فضای جریان‌ها از یکدیگر جدا نیستند و در یکدیگر تنیده شده‌اند هر فضا برای بازتولید خود به دیگری وابسته است. آنچه آشکار است این است که جهانی‌شدن، سنجش دوباره فعالیت‌های انسانی است.

در واقع نقشه‌ای که در نگاره شماره ۹ مشاهده می‌شود، نمایانگر این نکته است که در دنیای جهانی‌شده امروزه هنوز هم نقشه‌های ژئوپلیتیکی اهمیت خود را از دست نداده‌اند و جغرافیای جدیدی در سایه جهانی‌شدن اقتصاد و به وجود آمدن جهان‌شهرها، در حال شکل‌گیری است که نقشه‌های حاصل از آن مکمل نقشه‌های سیاسی گذشته هستند. اگرچه بیشتر جنبه‌های مالی جهانی «مجازی» شده‌اند، اما انجام بیشتر فعالیت‌ها در تعداد اندکی از مراکز مالی بین‌المللی که در مراکز جغرافیایی «لندن، نیویورک و توکیو» پایه‌ریزی شده‌اند نوعی دیگر از جغرافیا را سبب شده است. بنابراین بیشتر از اینکه انتهای جغرافیا وجود داشته باشد، جغرافیاهای جدید در شرایط جهانی‌شدن وجود دارند.

جدا گشته اما در بسیاری از نمونه‌ها این شهرها برای اقتصاد ملی و حیثیت ملی بسیار مهم‌اند (سورت، ۱۳۹۲: ۵۹). اگرچه جهانی‌شدن اقتصاد، قدرت کنترل دولت‌ها بر نقل و انتقالات مالی و فناوری را کاهش می‌دهد و به تعامل میان ملت‌ها می‌افزاید، و رقابت سرمایه را از محدوده‌های جغرافیایی خاص خارج نموده و در سطح جهان، بی‌قید و شرط و فراگیر می‌کند و نظام‌های منطقه‌ای جدیدی را شکل می‌بخشد اما نقش جغرافیای مکان و نقشه به شکل دیگری در این فرایند دوباره ظهور کرده و دولت‌ها با روش‌های جدید سعی در ایفای نقش خود در این عرصه را دارند. (پیشگامی‌نورد، ۱۳۸۰: ۱۵۷).

جهانی‌شدن اقتصاد شرایطی را به وجود می‌آورد که در آن حد و مرزهای جغرافیایی در فعالیت‌های اقتصادی از قبیل تجارت، سرمایه‌گذاری، تولید و نقل و انتقال مالی کمترین نقش را خواهند داشت. اما مرزهایی دیگر با نقشه‌های ژئوپلیتیکی دیگر این نقش را بر عهده گرفته‌اند.

##### ۵- نتیجه

«نقشه سیاسی جهان» که برای ما آشنا است، نقشه‌ای از مرزهای حاکمیتی است. نقشه‌ای که در آن فضای مکان‌ها در مقیاس جهانی ترسیم شده‌اند. اما با جهانی‌شدن و فرایند انتقالات بین‌المللی سودمندی مرزهای دولت‌ها در حال از بین رفتن است. نقشه‌سازی جدید جهان که از ارتباطات بین شهرها حاصل شده است، مکملی برای نقشه سنتی کشورهای جهان است.

در واقع به خاطر جهانی‌شدن که در عصر جدید رخ داده است، شهرهای جهان شروع به ارتقا دادن خود برای دستیابی به مرکزیت خدمات جهانی کردند. این اتفاق زمانی رخ داد که شرکت‌های بزرگ و خدمات جهانی بر طبق استراتژی مکان‌گزینی تصمیم به گسترش شبکه دفاتر خود در سراسر جهان گرفتند و برای این کار شهرهایی خارج از مرزهای ملی خود را برگزیدند.

نقشه‌سازی جدید جهان روی «شهرها» بیشتر از

11- Cohen, R. B. (1981) The New International Division of Labour, Multi - National Corporations and Urban Hierarchy. In Urbanization and Urban Planning in Capitalist Society, ed. M. Dear and A. J. Scott. New York: Methuen, pp. 287315 ..

12- Donald, J. (1992); Metropolis: the city as text, In Social and Cultural Forms of Modernity, ed. R. Bocock and K. Thompson, pp. 154 .. Cambridge: Polity.

13- Friedmann. John (1995); 'Where We Stand: a decade of world city research', "World Cities in a World - System", Edited by: Paul L. Knox and Peter J. Taylor, Cambridge University Presss.

14- Geddes, P. (1968) Cities in Evolution, New York: Howard Fertig.

15- Hall, P. (1966) The World Cities, London: Weidenfeld and Nicolson.

16- King, Anthony D. (1995) Re - presenting World Cities: cultural theory/social practice, Cambridge University. 215231 ..

17- Knox, Paul L. (1995); World Cities in a World - System, Cambridge University, 321 ..

18- Sassen, Saskia (1995); 'On Concentration and Centrality in the Global City', "World Cities in a World - System", Edited by: Paul L. Knox and Peter J. Taylor, Cambridge University Presss.

19- Taylor, Peter J. (1995) World Cities and Territorial States: The Rise and Fall of Their Mutuality" "World Cities in a World - System, Edited by: Paul L. Knox and Peter J. Taylor, Cambridge University Presss. pp. 4862 ..

20- Taylor, P.J, D. R F.Walker and M. Hoyler, (2001); A new mapping of the world for the new millennium, Geographical Journal, Vol. 167, No. 3, pp. 213222 ..

21- Taylor, Peter J. (2000); World Cities and Territorial States under Conditions of Contemporary Globalization, Political Geography, Vol. 19, pp. 532 ..

22- Taylor, Peter J. (2004); World City Network, A Global Urban Analysis, Routledge, New York

23- Taylor, Peter J. (2005); New political geographies: Global civil society and global governance through world city networks, Political Geography, Vol. 24, 703730 ..

## ۶- منابع و مآخذ

۱- پیشگاهی فرد، زهرا، (۱۳۸۰)، نگرشی ژئوپلیتیکی بر پدیده جهانی شدن؛ تئوری نظام‌های فضا - منطقه‌ای، تهران، انتشارات دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد.

۲- جان اسکات، آلن، (۱۳۸۴)، شهر - منطقه‌های جهانی، ترجمه پانته‌آ لطفی کاظمی، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

۳- رستمی، پورموسوی و قورچی؛ قهرمان، موسی، مرتضی، (۱۳۹۰)، «تبیین ژئوپلیتیکی کلان‌شهرهای جهانی؛ تأملی بر تفاوت‌یابی مفهومی شهر جهانی و جهان‌شهر»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۲۱، ص ۷۰-۴۱.

۴- رنه شورت، جان، (۱۳۹۲)، کلان‌شهرهای جهانی، جهانی‌شدن شهرها در دنیای سرمایه‌داری، ترجمه مهدی داودی، تهران، انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.

۵- رنه شورت، جان و هیونگ کیم یونگ، (۱۳۸۶)، جهانی‌شدن و شهر، ترجمه احمد پوراحمد و قهرمان رستمی، تهران، انتشارات پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی.

۶- سلیمی، حسین، (۱۳۸۴)، نظریه‌های گوناگون درباره جهانی‌شدن، تهران، انتشارات سمت.

۷- لاله‌پور، سرور و سرور؛ منیژه، هوشنگ و رحیم (۱۳۹۰)، «مدیریت و برنامه‌ریزی فضایی مناطق کلان‌شهری در عصر جهانی‌شدن اقتصاد با تأکید بر منطقه کلان‌شهری تهران»، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره ۱۱.

۸- نوبخت و محمدی؛ محمدباقر و حامد، (۱۳۸۷)، فرایند جهانی‌شدن تغییرات و الزامات لازم در حوزه اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

9- Acuto, Michele (2009); Localizing the Global City through the 'Invisible College' - A (Plitical) Research Note, <http://www.Lboro.ac.uk/gawc/rb/rb301.html>. Paper no. 301.

10- Braudel, F (1984) The Perspective of the World, London: Collins